

مجاز و استعاره مفهومی جنگ در دیوان حاتم طائی با رویکرد شناختی

نوع مقاله: پژوهشی

سید محمود میرزایی الحسینی^۱ شیرین پورابراهیم^{۲*}، طیبه فتحی ایرانشاهی^۳

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۲. دانشیار گروه زبانشناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

چکیده

زبان‌شناسی شناختی به‌عنوان یکی از شاخه‌های نوین میان‌رشته‌ای، با بررسی رابطه ذهن و زبان معتقد است زبان نمودی از ذهن بشری است؛ از این رو با تأمل عمیق در اشعار دوره جاهلی (۴۴۹-۶۲۲ م) در پرتو نظریات شناختی می‌توان به ذهنیت شعرا برحسب محیط خود و نحوه زیست آنها پی برد. حاتم طائی از شاعران عرب دوره پیش از اسلام است که با بررسی دیوان اشعار وی می‌توان به‌نظام فکری‌اش دست یافت. نظر به اینکه «جنگ» یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های اجتماعی دوره جاهلی بوده، ارائه پژوهشی جدید در حوزه «جنگ» در شعر حاتم طائی جهت شناخت نظام فکری وی به‌طور خاص و زندگی اجتماعی دوره جاهلی به‌طور عام هدف اصلی این مقاله است. به این منظور عبارات استعاری و مجازی، از دیوان شاعر، استخراج و طبق نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، حاتم طائی برای مجسم کردن «جنگ» در ذهن مخاطب در قالب استعاره مفهومی از امور عینی و محسوس مرتبط با زندگی دوره جاهلی، همچون آتش و حیوان بهره گرفته است. همچنین ذکر جنبه‌های ظریف و جزئیات جنگ و جنگاوری و وصف جنگجویان در مجازهای مفهومی، بهترین گواه دال بر پیوند تنگاتنگ میان این پدیده اجتماعی با دوران زندگی شاعر به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، شعر جاهلی، حاتم طائی.

١. مقدمه

زبان‌شناسی یکی از علوم میان‌رشته‌ای است که در پی دستیابی به چیرستی زبان است. درواقع موضوع زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان انسان است. مطالعه‌ای را علمی می‌نامند که بر پایه مشاهده پدیده‌های واقعی استوار باشد و به نام برخی اصول زیبایی‌شناختی یا اخلاقی، از میان مجموعه پدیده‌های واقعی موضوع آن علم، فقط دسته‌ای خاص انتخاب و بررسی نشده باشد (مارتینه، ۱۳۷۸: ۱). به گفته سوسور «تمامی نمودهای زبانی انسان، خواه مربوط به اقوام بدوی یا ملل متمدن و خواه متعلق به دوران باستان، کلاسیک یا دوره انحطاط، موضوع زبان‌شناسی است. این علم در هر دوره نه تنها زبان درست و «زبان شیوا و رسا»، بلکه تمامی گونه‌های بیان را مورد توجه قرار خواهد داد» (سوسور، ۱۳۸۲: ۳). زبان‌شناسی شناختی یکی از شاخه‌های نوین زبان‌شناسی است که زبان را نمایش‌دهنده فرایندهای ذهن بشر می‌داند. صاحب‌نظران علوم شناختی بر این باورند که ساختار زبانی، انعکاس مستقیم شناخت است. (لی، ۲۰۰۱: ۱).

معناشناسی شناختی که شاخه‌ای از زبان‌شناسی شناختی است، معنای زبانی را به مثابه تجلی‌گاه ساختار مفهومی در نظر می‌گیرد؛ در اینجا ساختار مفهومی به معنای سازمان بازنمایی ذهنی است. (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۳). رابطه بین مفهوم و تجربه بشری از موضوعات مهم در معنی‌شناسی شناختی است. دو سازوکار شناختی استعاره مفهومی و مجاز مفهومی از نظریات اولیه و مطرح در این شاخه از علم زبان‌شناسی هستند. پیش از طرح نظریه استعاره مفهومی از جانب لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره یک آرایه ادبی جهت زیباسازی کلام مطرح بود. لیکاف و جانسون بر نقش استعاره بر زندگی بشر تأکید کردند به طوری که در کلام عادی نیز استعاره‌ها وجود دارند و مراد از آن درک مفاهیم انتزاعی به واسطه حوزه‌های ملموس بود. پس از نظریات مربوط به استعاره مفهومی، نظریه مجاز مفهومی مطرح شد که بر یک حوزه‌ای بودن انطباق مبدأ و مقصد و رابطه جایگزینی بین مبدأ و مقصد تأکید دارد.

۱-۱. بیان مسأله

واکاوی متون ادبی قدیم در پرتو نظریات شناختی می‌تواند ارزش علمی این شاخه جدید زبان‌شناسی را بیشتر نمایان سازد. در زبان عربی، اشعار دوره جاهلی قدیمی‌ترین اشعار عربی

هستند که امروزه هم از اهمیت بالایی برخوردارند. این اشعار به ظاهر سطحی، در بطن خود، نشان از تفکر مفهومی عمیق شعرا دارند. حاتم طائی خداوندگار فضل و بخشش که از آن زمان تاکنون به واسطه سخاوتمندی و مهمان‌نوازی زبانزد همگان است، یکی از شعرای این دوره است؛ با توجه به اینکه بیشتر توجهات معطوف به حاتم طائی مربوط به بخشش است، دیگر فضایل و خصلت‌های نیک حاتم طائی که در دوره جاهلی ارزش اخلاقی محسوب می‌شوند، مورد توجه قرار نگرفته است.

بررسی اشعار وی، بیانگر آن است که مفهوم جنگ و جنگاوری در منظومه فکری او از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ به نحوی که طائی در کنار فخر به بخشندگی و بیان نحوه آن پیوسته از رشادت و دلیری خود در میدان‌های جنگ نیز سخن می‌گوید؛ البته باید توجه داشت که به فراخور شرایط اجتماعی و اقتصادی دوره جاهلی، جنگ یک مفهوم تثبیت شده و همیشگی بوده است؛ تا حدی که جنگاوری کرامت و ارزش اخلاقی محسوب می‌شده است. به گفته شوقی ضیف: «مهم‌ترین اصلی که در عصر جاهلی زندگی عرب‌ها را متمایز کرده است، زندگی توأم با جنگ و مبتنی بر خونریزی بوده است تا جایی که از سنت‌های آنها به‌شمار می‌آید. مردم جاهلی دائماً می‌کشتند و کشته می‌شدند، جز با انتقام گرفتن از طرف مقابل از خونریزی منصرف نمی‌شدند؛ از این رو در مقابل بزرگ‌ترین قانون آنها یعنی قانون انتقام، کوچک و بزرگ آنها تسلیم بودند. آن قانون مقدس نزد آنها همچون سرشت و طبیعت دینی تثبیت شده بود؛ به طوری که شراب و زن و عطر را بر خود حرام می‌کردند تا بتوانند از دشمنانشان انتقام بگیرند» (۲۰۰۳: ۶۲).

پژوهش حاضر در پی آن است که در چارچوب نظریه زبان‌شناسی شناختی با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شیوه‌های مفهوم‌سازی حوزه جنگ در اشعار حاتم طائی بپردازد. «با تأکید بر اینکه سازوکارهای شناختی این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا شناخت و آگاهی فراگیری از نظام فکری اشعار حوزه جنگ در دوره جاهلی به‌طور عام و شعر حاتم طائی به‌طور خاص ارائه دهد؛ چراکه اساسی‌ترین ارزش‌های موجود در یک فرهنگ با ساخت استعاری اصلی‌ترین مفاهیم آن فرهنگ در ارتباط است» (لیکاف و جانسون: ۱۳۹۶: ۵۱). از دیرباز هدف انسان‌شناسان از مطالعه فرهنگ آن بوده است که با بررسی معنای مقوله‌های زبانی به محتوای شناختی فرهنگ دست‌یابند. در این دیدگاه، فرهنگ به منزله ریشه ذاتی محسوب

می‌شود که افراد یک جامعه باید آن را فراگیرند تا در موقعیت‌های مختلف به‌طور متناسب رفتار و عمل کنند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷).

۱-۲. سؤالات پژوهش

حاتم طائی در اشعار خود برای مفهوم جنگ از چه سازوکارهای شناختی بهره برده‌است؟
مفهوم‌سازی جنگ در شعر حاتم طائی چه ارتباطی با نظام اجتماعی دوره جاهلی دارد؟

۱-۳. فرضیات پژوهش

با توجه به اینکه نظریات شناختی به‌طور کلی بر مفهومی‌بودن ذهن بشر تأکید دارند و استعاره و مجاز جزء مهم‌ترین سازوکارهای شناختی هستند، می‌توان اذعان داشت که حاتم طائی برای مفهوم‌سازی جنگ از استعاره و مجاز بهره برده‌است.

تجارب محیطی هر فرد بر اندیشه و ذهن وی تأثیر دارد و در زبان بازنمایی می‌شود. بنابراین پیش‌بینی می‌شود مفهوم‌سازی جنگ در اشعار حاتم طائی بازتاب محیط اجتماعی دوره جاهلی باشد.

۱-۴. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر از دو حیطه متفاوت مورد توجه است؛ اول پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره اشعار حاتم طائی و دوم پژوهش‌های مرتبط با مجاز و استعاره با رویکرد شناختی. در حیطه شعر حاتم طائی پژوهش‌های صورت‌گرفته به‌صورت پایان‌نامه هستند که در حوزه ترجمه صورت گرفته‌اند از جمله: پایان‌نامه تکتبار فیروزجایی (۱۳۸۶) با عنوان «شرح دیوان حاتم طائی با توضیح لغات و بیان معنی و نکات ادبی». پایان‌نامه سیاحی (۱۳۹۱) با عنوان «ترجمه و شرح دیوان حاتم طائی» و پایان‌نامه «بررسی حوزه‌های معنایی در دیوان حاتم طائی» توسط فتحی‌ایران‌شاهی (۱۳۹۶). پژوهش اخیر چهار حوزه معنایی بخشش، ارزش‌های اخلاقی، جنگ و مرگ را براساس واژگان و اصطلاحات دسته‌بندی کرده‌اند. همچنین مقاله‌ی «جایگاه حاتم طائی در شعر سعدی» توسط قادری و همکاران (۱۳۹۵) صورت گرفته است که

به بررسی موضوعات متنوع مشترک در شعر حاتم طائی و سعدی و بازتاب شخصیت حاتم طائی در بوستان و گلستان سعدی پرداخته است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی در حیطه مفهوم‌سازی جنگ از منظر شناختی نه تنها در شعر حاتم طائی بلکه در شعر هیچ‌یک از شعرای دوره جاهلی صورت نگرفته است و این مسأله نشانگر نوآوری پژوهش حاضر است. پژوهش‌های شناختی اکثراً با تأکید بر «استعاره مفهومی» نگاشته شده‌اند؛ مانند: حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۵) در مقاله «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»، شیوه‌های بیان کلام الهی را در جهت ملموس نشان دادن رحمت الهی بیان کرده‌اند.

مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه مدل‌های شناختی زمان در متن قرآن براساس نظریه استعاره مفهومی» بیان داشته‌اند که نظریه استعاره مفهومی ابزار مناسبی برای بررسی و تحلیل متون دینی از جمله قرآن کریم است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استعاره هستی‌شناختی شی‌انگاری، استعاره جهتی، استعاره تصویری-حرکتی و موقعیت عقب و جلو زیرساخت‌های دو مدل شناختی شخص محور و زمان محور زمان هستند. علاوه بر این دو مدل برای عینی‌سازی زمان در قرآن کریم از استعاره هستی‌شناختی ظرف‌انگاری، شی‌انگاری و استعاره تصویری حجمی استفاده شده است.

در حوزه مجاز مفهومی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است که می‌توان به مقاله آقایی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی مجاز در زبان کردی باتوجه به اشعار شیرکو بی‌کس: رویکرد شناختی» اشاره داشت که نگارندگان براساس داده‌های کتاب شعر «اینک دختری سرزمین من است» اثر شیرکو بی‌کس به این نتیجه رسیده‌اند که مجاز مفهومی همچون دیگر سازوکارهای شناختی در زبان مردم کرد پدیده‌ای بارز است. مجازهای «جز به جای کل» و «ظرف به جای مظروف» داری بیشترین بسامد تکرار هستند.

۲. مبانی نظری تحقیق

معناشناسی شناختی، همانند زبان‌شناسی شناختی، نظریه واحدی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نظریات و رویکردهاست که می‌توان آنها را براساس اشتراکاتشان زیر یک چتر گردآورد. معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطه میان معنا و ارجاع آن در جهان واقعی می‌پردازد. مفاهیم

و مباحثی مانند استعاره و مجاز، معنای دائرة المعارف، مقوله بندی و نظریه سرنمون، فضاهاى ذهنی، آمیزه مفهومی و چند مفهوم دیگر را می توان در حوزه معنی شناسی شناختی گردآورد (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۳۸).

مجاز از ریشه جوز مصدر و به معنی عبور کردن از مکان هست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۱). در حوزه فنون بلاغی در تعریف آن آمده است هر کلمه ای که بنابر مناسبات بین معنای اول و دوم بر غیر آنچه واضح برای آن وضع کرده است، دلالت کند، مجاز است (الجرانی، ۱۴۲۲: ۲۴۹). و سکاکی وجود قرینه را که مانع از اراده معنای حقیقی باشد بیان کرده است (سکاکی، ۱۹۹۹: ۱۷۰)؛ اما از نظر شناختی «مجاز فرایندی شناختی است که در آن یک عنصر مفهومی (وسیله) دسترسی ذهنی به عنصر مفهومی دیگر (مقصد) را در همان حوزه یا نمونه شناختی آرمانی (نشا) فراهم می کند» (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۳۲).

استعاره در بلاغت، تشبیهی است که یکی از طرفین آن نیامده باشد؛ به عبارت بهتر یعنی کلمه، از مسمای اصلی خود خارج شود و به قصد مبالغه در تشبیه، لفظی دیگر به صورت عاریت در جای آن قرار داده شود (القزوينی، بی تا: ۲۸۵). به گفته لیکاف و جانسون «استعاره از نظر اکثر مردم، ابزاری برای تخیل شاعرانه و شکوفایی بلاغت به حساب می آید؛ یعنی چیزی که به زبان غیرعادی تعلق دارد و نه به زبان عادی که به شکل روزمره به کار می رود. افزون بر این، معمولاً استعاره را صرفاً به عنوان یکی از ویژگی های زبان برمی شمارند، یعنی مختصه ای که به واژه ها مربوط می شود و نه ویژگی ای که به فکر یا رفتار انسان ارتباط دارد. به همین دلیل بسیاری از افراد تصور می کنند که می توانند بدون استعاره به خوبی روزگارشان را بگذرانند. با وجود این دریافتیم که استعاره در زندگی روزانه ما جاری است یعنی استعاره چیزی نیست که فقط در زبان وجود داشته بلکه در اندیشه و رفتار ما نیز نمود می یابد؛ در واقع نظام مفهومی متداولی که در قالب آن می اندیشیم و عمل می کنیم اساساً از ماهیتی استعاری برخوردار است» (۱۳۹۶: ۲۱). استعاره و مجاز، هر دو، راه را برای رسیدن به فرایندهای مفهوم سازی بنیادین خود باز می گذارند؛ اما در تحلیل آنها آنچه جالب است، فرایندهای انتخابی است که گویش ور برای بیان چیزی که می خواهد انتقال دهد، اتخاذ می کند. روند انتخاب ممکن است تحت تأثیر عامل زیادی خارج از حوزه کنترل آگاهانه فرد به طرز انکاری نشدنی با بیان درونیات هر فرد ارتباط دارد (نیمایر، ۱۳۹۹: ۲۵۱).

استعاره‌ها و مجازها تا حد زیادی وابسته به فرهنگ هستند، چون قلمروهای تجربه، لزوماً در فرهنگ‌های مختلف مشابه نیستند. با این حال در مورد انتزاعی‌ترین و فراگیرترین آنها به نظر می‌رسد که قلمروی مبدأ یا درون‌داد، شامل مفاهیم فیزیکی همگانی مثل حجم، وزن، جهت و... می‌شود که طرحواره‌های تصویری خواننده شده و براساس تجربه‌های افراد از جهان خارج فراگرفته می‌شوند (جانسون، ۱۹۸۷، لیکاف ۱۹۹۵-۱۹۹۳، تیلور، ۱۳۹۵، به نقل از بارسولونا، ۱۳۹۹: ۱۵).

تفاوت استعاره مفهومی و مجاز در این است که در استعاره مفهومی، دو مفهوم وجود دارد: یکی در حوزه مبدأ و دیگری در حوزه مقصد که از هم فاصله دارند؛ زیرا یکی به حوزه شناختی و مفهومی و دیگری به حوزه شناختی و مفهومی انتزاعی تعلق دارد. برای مثال مفهوم «زندگی» از مفهوم «حرکت» فاصله دارد (زندگی، حرکت در مسیر است) و... در صورتی که در مجاز مفهومی، دو مفهوم در فضای مفهومی یا در جهان واقعیت با هم مجاورت و نزدیکی دارند. برای مثال ابزار و کارکرد آن، ظرف و مظهر، کل و جزء پدیده‌ها و جنس آنها با هم مجاورت دارند (افراشی، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۰۴). مجاورت مفهومی مجاز براساس تجربیات فرازبانی و تداعی‌ها شکل می‌گیرد و از این رو وابسته به فرهنگ است. بیشتر نظریات رایج فعلی را با این از پیش‌انگاری آغاز می‌کنند که مجازها در روابط مختلف درون یک قلمروی شبکه‌ای (کرافت ۱۹۹۳)، الگوی شناختی آرمانی (لیکاف ۱۹۸۷) و قاب (فیلمور ۱۹۹۷) مطرح می‌شوند در حالی که استعاره‌ها از این مرزها فراتر می‌روند (به نقل از نیمایر، ۱۳۹۹: ۲۵۰).

۳. گریزی به زندگینامه و شعر حاتم طائی

حاتم بن عبدالله بن سعد بن حشر بن امری کنیه او «اباسفانه» (دخترش) و «ابا عدی» (پسرش) بود و بیشتر به «اباسفانه» معروف بود. وی در کودکی پدرش را از دست داده بود و پدر بزرگش عهده‌دار کفالت او شده است؛ حاتم تا دوران جوانی در کنار او بوده و راه و روش او را ادامه داده است (طائی، بی‌تا: ۹). از تاریخ تولد حاتم طائی منبعی در دست نیست اما او حدود ۱۵ سال قبل از هجرت (۶۰۵ م) وفات یافته است (الروضان، ۲۰۰۱: ۷۶).

شعر حاتم برگرفته از شخصیت اوست و بدون هیچ فریبی از شخصیت شاعر صحبت می‌کند و مانند خود او پاک است. این ویژگی در شعر او از میان خوی و خصلت‌هایی مثل عزت نفس، بزرگواری، دلاوری، بخشش و پاک‌دامنی در فقر و شریک قراردادن دیگران در

ثروت خود که نفس بخشنده و بزرگوار او با آنها زینت داده شده است. شعر حاتم قصیده‌های کوتاه و قطعاتی است که در آن مقداری از ناهنجاری‌های مردم جاهلی و مقدار زیادی از آسانی و سهولت و نرمی متمدنین دیده می‌شود (فاخوری، ۱۹۸۶: ۲۲۳).

۴. استعاره و مجاز مفهومی حوزه جنگ

در این بخش به تحلیل اشعار حوزه جنگ حاتم طائی براساس دو سازوکار شناختی، مجاز و استعاره مفهومی می‌پردازیم. پس از ارائه سه استعاره مفهومی، به ذکر مجازهای مفهومی که تنوع و تعدد بیشتری دارند پرداخته می‌شود. گاه به دلیل هم‌وقوعی عبارات استعاری و مجازی در یک شاهد، هر دو مورد با هم تحلیل خواهد شد.

۱-۴. جنگ، گرداب است / جنگ، آتش است

باتوجه به شرایط سخت زندگی در بادیه، برافروختن آتش یکی از ابزارهای پرکاربرد زندگی دوران طائی بوده است. اعراب آن دوره برای درست کردن غذا، گرم کردن خود در فصل سرما، رفع تاریکی در بیابان‌های ترسناک از آتش بهره می‌بردند. حتی یکی از انگیزه‌های حاتم طائی در برافروختن آتش، جلب‌توجه رهگذران بوده است تا به‌عنوان مهمان به خانه‌اش بروند. در کنار مزایایی که آتش داشته است، از اثرات مخرب و مرگبار آن نیز بی‌اطلاع نبوده‌اند. آتش همراه پدیده رایج فرهنگی آن زمان یعنی جنگ و خونریزی بوده است. جنگ و آتش دو حوزه مفهومی متفاوت هستند که اولی انتزاعی‌تر و دومی، بنیادین‌تر و به‌نوعی عینی‌تر است؛ اما هر دو در زندگی مردم جاهلی ملازم هم هستند. ازاین‌رو در شعر حاتم طائی می‌بینیم که جنگ‌های سخت به‌مثابه آتش در ذهن وی ترسیم شده‌اند:

(۱) وَ غَمْرَةٌ مَوْتٍ لَيْسَ فِيهَا هَوَادَةٌ يَكُونُ صُدُورُ الْمَشْرِقِيِّ جُسُورُهَا

(۲) صَبَرْنَا لَهَا فِي هَكِّهَا وَ مُصَايَا بِأَسْيَافِنَا، حَتَّى يُبَوِّخَ سَعِيرُهَا

(طائی، ۱۹۸۶: ۳۱)

ترجمه: «چه بسیار شدت و فشار مرگی که بی‌امان باشد و پل‌های آن سینه‌های ستبر شمشیر مشرفی است، با شمشیرهایمان در برابر رنج و مصیبت آن صبر کردیم تا زبانه آتش آن خاموش شود».

در دیدگاه‌های کلاسیک استعاره، اصطلاح‌ها دارای معناهای دل‌بخواهی‌اند. اما در حوزه زبان‌شناسی شناختی این امکان وجود دارد که آنها را نه دل‌بخواهی بلکه انگیزه‌تلقی کنیم؛ یعنی اینکه اصطلاح‌ها به‌صورت خودکار و براساس قوانینی زایا تولید می‌شوند، اما یک یا چند الگوی موجود در نظام مفهومی انطباق دارند. (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۵۱). در بیت (۱)، شاعر با اصطلاح «غمرة الموت» معتقد است که «جنگ گرداب (مرگ) است». چگونه؟ در این بیت، رابطه مجازی که هماهنگ با محتوای کلی شعر، جنگ را تداعی می‌کند، رابطه مجازی «مرگ و جنگ» است. مرگ ناشی از جنگ رابطه‌ای مجازی از نوع «معلول به‌جای علت» است.

از سوی دیگر، به اعتقاد شاعر در مصرع دوم مثال (۱)، برای گذر از گرداب مرگ (جنگ)، باید از پل سینه ستبر شمشیرهای مشرفی گذشت. پل محل گذر از روی دره و رودخانه و غیره است. شاعر با مفهوم‌سازی «شمشیرها به‌مثابه پل خروج از جنگ» و نیز با انسان‌انگاری «شمشیر به‌مثابه انسان» و مجاز «سینه به‌جای بدن انسان» در عبارت «صدورالمشرفی» فضای ذهنی جدیدی از جنگاوری ترسیم می‌کند. در عالم واقع، شمشیر عضوی به نام سینه (صدور) ندارد؛ بنابراین در این بیت جنگ گرداب است و برای عبور از این گرداب باید از سینه شمشیرها پل زد و گذشت.

در بیت شماره (۲)، حاتم با افتخار به جنگاوری قبیله خود، جنگ را آتش می‌داند. آنچه در ابیات فوق انگیزه‌بخشی بیشتری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند تلفیق استعاره مفهومی و مجاز مفهومی است. لیکاف و جانسون اذعان دارند که «نقش اصلی مجاز، ارجاع دادن است یعنی این امکان را به ما می‌دهد که چیزی را به‌جای چیز دیگر به‌کار ببریم» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۷۵). در مثال‌های فوق، معنی جنگ با کلمه «اسیافنا» و مفهوم آتش با کلمه «سعیر» در ذهن انگیزه‌تلقی می‌شود. «اسیافنا» ذهن را به مفهوم جنگ هدایت می‌کند. «شمشیر به‌جای جنگ» از

* EFFECT FOR CAUSE

نوع مجاز مفهومی «ابزار به جای فعالیت» است که کوچش از آن با عنوان «ابزار به کاررفته در یک فعالیت به جای آن فعالیت» و «شیء دخیل در کنش به جای کنش» (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۴۲) نام برده است. به همین صورت واژه «سعیر» به معنی زبانۀ آتش، جزئی از آتش است و بیان آن جز، باعث تداعی کل یعنی آتش می شود و مجاز «زبانۀ آتش به جای آتش» را شکل می دهد، حال این دو مفهوم حاصل از مجازهای «ابزار به جای فعالیت» و «جز به جای کل» با هم تداعی می شوند. طوری که جنگ به صورت آتش مفهوم سازی می شود؛ به عبارت دیگر در اصطلاح غیرشناختی، مجاز مفهومی با علاقه «جز به جای کل» آمده است.

در مثال زیر، واژه «نور» در غیر معنای اصلی آن به کاررفته است. در اینجا، از شواهد متنی به ویژه واژه حرب، می توان استنباط کرد که منظور از «نور»، «نور آتش جنگ» و درواقع مجاز «نور به جای آتش» است. در این ترکیب اضافی بین نور و آتش، رابطه مجاز مفهومی «معلول به جای علت» به کاررفته است. اگر آتش را مقوله ای معنایی در نظر بگیریم، از ویژگی های معرف آن نور است. در این مجاز «ویژگی معرف یک مقوله به جای خود مقوله به کاررفته» است:

(۳) شَهِدْتُ وَعَوَانًا، أُمَيْمَةً، أَنَّنَا بَنُو الْحَرْبِ نَصْلَاهَا، إِذَا اشْتَدَّ نَوْهَا

(طائی، ۱۹۸۶: ۳۲)

ترجمه: «ای امیمه من همراه عوان دیدم که قطعاً ما فرزندان جنگ هستیم؛ اگر نور آن شدت بگیرد، وارد آن آتش می شویم».

اما نکته دیگر اینکه، شاعر خود و همراهانش را پسران جنگ می داند. قطعاً منظور وی از پسران حرب، معنی واقعی پسر و پدری، آن چنان که در زبان حقیقی کاربرد دارد، نیست، بلکه منظور جنگاوری است؛ یعنی رابطه ما با جنگ مثل رابطه پسر و پدر است. ما با جنگ بیگانه و نا آشنا نیستیم. بنابراین شاعر از حوزه مفهومی روابط خویشاوندی سود جسته تا بتواند آشنایی خود با جنگ را ملموس تر نماید. «آشنایی با چیزی به مثابۀ خویشاوندی» استعاره ای است که در

^۱INSTRUMENT FOR ACTION

^۲AN INSTRUMENT USED IN AN ACTIVITY FOR THE ACTIVITY

^۳OBJECT INVOLVED IN AN ACTION FOR THE ACTION

^۴DEFINING PROPERTY FOR CATEGORY

مجاز و استعاره مفهومی جنگ در دیوان حاتم طائی با رویکرد شناختی شیرین پورابراهیم*
 بطن عبارت «بنو الحرب» می شود و به طور خاص تر استعاره «آشنایی با جنگ به مثابه خویشاوند جنگ بودن» را ایجاد می کند.

۲-۴. جنگ حیوان درنده است

به گفته لیکاف «مبانی تجربی برانگیزنده استعاره ها هستند» (لیکاف، ۱۳۹۰: ۲۰۷). نظر به زندگی سخت صحرائنشینی، وجود حیوانات وحشی فراوان در محیط زمان شاعر امری طبیعی بوده است. این امر باعث شده از حوزه مفهومی حیوان که حوزه ای آشنا برای شاعر و مردمان دوره اوست، استفاده شود تا مفهومی مثل جنگ ساخته شود. در شعر حاتم طائی جنگ به صورت حیوان وحشی مجسم شده است. آنچه باعث می شود از حوزه مفهوم حیوان وحشی برای مفهوم سازی جنگ استفاده شود شاید مشخصه های هجوم، درندگی و مرگ حاصل آن باشد. به نظر می رسد مفهوم جنگ در شکل بدوی و غیر سازمان یافته خود، ابتدا از حمله حیوانات وحشی به انسان و دفاع بشر برای نجات خود شکل گرفته است:

(۴) وَيَهْأُ فِدَاؤُكُمْ أُمِّي وَمَا وَلَدْتُ حَامُوا عَلَى مَجْدِكُمْ وَاكْفُوا مَنِ اتَّكَلَا

(۵) إِذْ غَابَ مَنْ غَابَ عَنْهُمْ مِنْ عَشِيرَتِنَا وَ أَبَدَتِ الْحَرْبُ نَاباً كَالْحِأْ، عَصِلَا

(طائی، ۱۹۸۶: ۴۰-۳۹)

ترجمه: «آفرین (بر شما)! مادرم و فرزندانم همگی به فدای شما باد. از مجد و شکوhtان دفاع کنید و آن کس که بر شما اعتماد کرده است را کفایت کنید، آن هنگام کسانی از عشیره ما (برای جنگ با آنها) حضور نداشتند و جنگ نیشی محکم و کج آشکار کرد».

در بیت شماره (۵)، مراد از «وَأَبَدَتِ الْحَرْبُ نَاباً كَالْحِأْ، عَصِلَا»؛ اوج گیری و شدت جنگ است که جنگ چون حیوان درنده ای که دندان های خود را به قصد آمادگی و توانایی بالا نمایان سازد، مجسم کرده است که در بلاغت عربی، استعاره مکنیه است. جنگ به حیوان درنده تشبیه شده است، مشابه حذف ولی از لوازم آن یعنی ناب ذکر شده است؛ از دیدگاه شناختی در این مثال شاهد استعاره مفهومی «جنگ حیوان درنده است» هستیم. در این نمونه، شاعر نگفته است که جنگ نمایان شد که تنها با جاندارپنداری جنگ مواجه شویم، بلکه گفته است جنگ دندان نیش کج و محکم خود را نمایان کرد. نمایاندن دندان بخشی از رفتار تهاجمی

حيوانات وحشی است که در اینجا به جای کل رفتار آنها یعنی حمله استفاده شده است و نوعی مجاز مفهومی «جز به جای کل»- نمایاندن دندان به جای حمله است. کوچش این مورد را مجاز «بخشی از رویداد به جای کل رویداد»^۱ (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۴۰)، می نامد. در بیت زیر نیز همین حیوان انگاری جنگ که درواقع استعاره ای مفهومی است و همین مجاز با عبارتی تقریباً متفاوت انگیخته می شود:

(٦) وَلِي، مَعَ بَذْلِ الْمَالِ وَالْبَاسِ، صَوْلَةٌ إِذَا الْحَرْبُ أَبَدَتْ عَنْ نَوَاجِذِهَا الْعُصْلِ

(طائی، ۱۹۸۶: ۴۰)

ترجمه: «هنگامی که جنگ، دندان های کج خود را آشکار کند (جنگ شدت گیرد)، با بخشش مال و دلیری حمله ای خواهم داشت»

در مثال بالا، حاتم طائی در موقعیت فخر و ادغام دو ویژگی خاص خود یعنی بخشش و جنگاوری، جنگ را حیوانی درنده مجسم کرده است: «إِذَا الْحَرْبُ أَبَدَتْ عَنْ نَوَاجِذِهَا الْعُصْلِ» که منظور از آن شروع و شدت جنگ است که همچون نمونه قبل علاوه بر استعاره مفهومی «جنگ حیوان درنده است» شاهد مجاز مفهومی هستیم که عضوی از حیوان را (دندان) که کاربرد بیشتری در زمان جنگ دارد، به جای خود حیوان ذکر کرده اند؛ یعنی مجاز «جز به جای کل».

در بیتی دیگر از شعر حاتم طائی شاهد تلفیق دو استعاره مفهومی و مجاز مفهومی هستیم به این صورت که «جنگ حیوان درنده است» و «جنگ انسان است»:

(٧) أَخُو الْحَرْبِ إِنْ عَصَتْ بِهِ الْحَرْبُ عَصَهَا وَ إِنْ ثَمَّرَتْ عَنْ سَاقِهَا الْحَرْبُ ثَمَرًا

(همان: ۲۲)

ترجمه: «چون جنگ، مرد میدان رزم را آزار دهد، او نیز آزارش می دهد و چون جنگ شدت گیرد، او هم برای مقابله، آستین همت بالا می زند.»

^۱PART OF AN EVENT FOR THE WHOLE EVENT

در تحلیل «اخو الحرب» همان استدلال «بنو الحرب» در مثال (۳) به کار می‌رود. همچنین حاتم برای بیان آمادگی‌اش در جنگ، در مصراع اول استعاره مفهومی «جنگ حیوان درنده است» را با استفاده از فعل «عضت» (گاز گرفتن) به کار می‌برد؛ که مجاز مفهومی هم از آن استنباط می‌شود؛ چون همچون نمونه‌های قبل «روش انجام یک کنش به جای کل کنش» (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۴۳) ذکر کرده است. در مصراع دوم «وَإِنْ شَمَّرْتَ عَنْ سَاقِهَا الْحَرْبُ شَمْرًا» برای جنگ پا و اراده‌ای چون عمل انسان که آن را نمایان سازد و اعلام آمادگی کند مجسم کرده است؛ بنابراین به جای انسان عضوی از او یعنی «ساق» استفاده شده است؛ یعنی «جز به جای کل».

(۸) وَإِنِّي كَأَشْلَاءِ اللَّجَامِ وَلَنْ تَرَى أَخَا الْحَرْبِ إِلَّا سَاهِمَ الْوَجْهِ، أَعْبَرَا

(طائی، ۱۹۸۶: ۲۲)

ترجمه: «من همچون تکه‌پاره‌های افسار هستم. هرگز مرد میدان رزم را جز رنگ‌پریده و لاغر و غبارآلود نخواهی دید»

در این بیت حاتم طائی از ضعف و پیری خود سخن می‌گوید. به هر حال عاقبت جنگجوی دلیر هم ضعف و لاغری و در نهایت مرگ است. در بیت بالا همچون ابیات شماره (۷ و ۳) دو استعاره هم‌زمان با هم ترکیب شده‌اند؛ در وهله اول جنگ چون انسانی مجسم شده که قابلیت آن را دارد که فرزند و یا برادری داشته باشد و دوم اینکه آشنایی و تسلط بر جنگ به مثابه هم‌خونی با جنگ است.

۳-۴. مجازهای جز به کل و نقش آنها در مفهوم‌سازی جنگ

به جز وقوع هم‌زمان مفهوم‌سازی استعاره‌ای و مجازی جنگ، آنچه در شعر حاتم طائی بسیار به چشم می‌خورد، وقوع صرف مفهوم‌سازی‌های مجازی است تا شاعر بتواند بر مقوله‌های مختلف جنگ از جمله جنگاوری و شجاعت تأکید کند:

در بیت شماره (۸)، حاتم رنگ‌پریدگی و لاغر و غبارآلود بودن را به‌جای جنگاوری ابراز می‌کند؛ همان‌طور که در لسان‌العرب آمده است: «فرس ساهمُ الوجّه» (اسب عبوس‌چهره) به این معنا بر سختی دویدن حمل شده است که بعد از آن، چهره خسته و گرفته شده است و مرد هم در توصیف این‌گونه است اگر در سختی جنگ گرفتار شود و رنگ و رخسارش خسته و گرفته شود (ابن‌منظور، ۱۹۵۶، ج ۱۲: ۳۰۹). ساهم به معنی عبوس‌بودن هم هست در بیت مذکور با توجه به واژه «أشلاء» به معنی لاغری و تاکیدگی است به نحوی رابطه ترادف میان این دو کلمه برقرار است.

در نگرش شناختی «ساهم الوجّه» و «اغبر» عبارات، مجازی هستند و این دو ویژگی (لاغری و غبارآلود) دو مقوله برآمده و نتیجه جنگ هستند که به‌جای جنگاوری به‌کار رفته‌اند که در ادبیات تحقیق از آن با عنوان مجاز «نتیجه به‌جای کنش»، یا «نتیجه به‌جای کنشی» که آن نتیجه را به دنبال دارد (کوچش ۱۳۹۸: ۲۴۲) یاد شده است.

(۹) فَأَمَّا تُصِيبُ النَّفْسُ أَكْبَرَ هَمِّهَا وَ إِمَّا أُبْشِرُكُمْ بِأَشْعَثِ غَانِمٍ

(طائی، ۱۹۸۶: ۴۶)

ترجمه: «با این نفس (خود شاعر) به بزرگ‌ترین هدف خود برسد یا آنکه شما را به ژولیده‌موی غنیمت‌گیرنده، بشارت دهم».

شاعر بیت فوق را در دیوان بعد از بیان جایگاه خود در میان قوم آورده است وقتی می‌گوید که آنها را به جنگجوی پیروز بشارت می‌دهد اما برای جنگاوران، حالت بعد از جنگ را ذکر کرده است. یعنی «أشعث» (ژولیده مو) و «غانم» (غنیمت‌برنده). واژه غانم، مفهوم جنگاوری را در ذهن تداعی می‌کند که نتیجه ارتباط مجازی میان غانم و جنگاوری است. به‌جای مفهوم جنگاوری که کنش جنگیدن است، برنده غنیمت‌ها را به‌کار برده است. این مجاز، یعنی «برنده غنائم به‌جای جنگاوری»، نوع مجاز «نتیجه به‌جای کنش» است.

'RESULT FOR ACTION

'RESULT FOR THE ACTION THAT BRINGS ABOUT THAT ACTION

مجاز و استعاره مفهومی جنگ در دیوان حاتم طائی با رویکرد شناختی شیرین پورابراهیم*

مجاز مفهومی دیگری که برای مفهوم سازی جنگاوری و شجاعت به کار می رود مجاز «یک کنش جنگی به جای کل جنگیدن» است. حاتم در مفاخرت به قبیله خود شیوه جنگاوری آنان را بیان می کند:

(۱۰) الضَّارِبِينَ لَدَى أَعْيُنِهِمْ الطَّاعِنِينَ، وَحَيْلُهُمْ تَجْرِي

(همان: ۲۶)

ترجمه: «جنگاورانی که افسار به دست شمشیر می زنند و نیزه زندگانی در حال تاختن اسب- هایشان، به دشمن نیزه می زنند».

فعل «طعن» به معنای ضربه زدن با نیزه است؛ در بیت نوشته شده حاتم طائی با دو واژه «ضارب» (ضربه زننده) و «طاعن» (نیزه زننده) قوم خود را به جنگاوری متصف می سازد که در حقیقت این واژگان دال بر مجاز پختگی و کار آزمودگی در جنگ هستند.

جنگیدن یک رویداد پیچیده است. شمشیر زدن و عنان اسب در دست گرفتن، از جمله فعالیت های جنگیدن هستند که به جای آن به کار رفته اند. به عبارتی شاعر از مجاز «اجزای یک کل به جای کنشی که آن کل را ایجاد می کند» استفاده کرده است.

در بیت زیر، واژه «الطعان» بر وزن فعال (مصدر دوم باب مفاعله (مطاعنة)) به معنای با یکدیگر با نیزه جنگیدن است و حاتم عملی در جنگ را به جای مفهوم کلی جنگ آورده است و مجاز مفهومی «اجزای یک کل به جای کنشی که آن کل را ایجاد می کند» به کار رفته است. در واقع جزء مفهومی «نیزه زدن»، جنگیدن و جنگاوری را در ذهن تداعی می کند. در هر دو مثال زیر از همین مجاز مفهومی استفاده شده است:

(۱۱) وَحَيْلٍ تَعَادَى لِلطَّعَانِ شَهْدُهَا وَلَوْ لَمْ أَكُنْ فِيهَا لَسَاءَ عَذِيرُهَا

(همان: ۳۱)

ترجمه: «چه بسیار سوارکارانی که برای نیزه زدن به یکدیگر از هم سبقت می گرفتند و من نظاره گر آنها بودم و اگر در میان آنها نبودم یاری کننده آنها بد می کرد»

در این بیت واژه «خیل» (گروه اسبان)، مجاز از سواران آنها است که جنگاورند و مجاز اسب به جای سوار است. یا در بیتی دیگر می گوید:

(۱۲) وَ إِنِّي لَأَقْرِي الضَّيْفَ، قَبْلَ سَوَالِهِ وَأَطَعُنْ قَدَمًا وَالْأَسِنَّةُ تَرْغَفُ

(طائی، ۱۹۸۶: ۳۷)

ترجمه: «من رسم مهمان نوازی را پیش از درخواست مهمان به جای می آورم و از دیرباز نیزه افکنده ام و از نیزه هایم خون چکیده است».

در این بیت، حاتم دو خصلت بارز خود یعنی مهمان‌نوازی و جنگاوری را بیان داشته است. وی از جنگاوری بودن خود، نیزه‌زنی از زمان قدیم و چکیدن خون از نیزه‌اش را به تصویر کشیده است که مجاز مفهومی «یک کنش جنگی به جای کل جنگیدن» است. مجاز دیگری که در شعر حاتم به کار می‌رود، مجاز مفهومی «ابزار جنگاوری به جای کنش جنگاوری» است. این مجاز از نوع «ابزار به جای کنشی که آن ابزار را به کار می‌گیرد» است. اسب و شمشیر از ابزار مهم جنگ هستند که شاعر برای توصیف عالی جنگیدن خود به توصیف اسب و شمشیر خوب می‌پردازد:

(١٣) يَجِدُ فَرَساً مِثْلَ الْعِنَانِ وَصَارِمًا حُسَاماً إِذَا مَا هُرَّ لَمْ يَرْضَ بِالْهَبْرِ

(همان: ٢٠)

ترجمه: «(وارثم) اسبی را می‌یابد همچون لگام و شمشیر برنده و قطع‌کننده که با بریدن تنها راضی نباشد»

در این بیت لاغری اسب و شمشیر برنده دو نشانه برجسته برای بیان مفهوم جنگاوری هستند. به علاوه این دو نشانه زبانی ذهن خواننده را به سمت «تجربه جنگی طولانی» شاعر سوق می‌دهد. اینکه می‌گوید این شمشیر برنده فقط گوشت را نمی‌برد بلکه استخوان را می‌تراشد دلالت بر «برندگی» آن دارد.

در اینجا علاوه بر مجاز مفهومی «شمشیر به جای جنگاوری» از استعاره هستی‌شناختی جاندارپنداری نیز استفاده شده است. استعاره‌های هستی‌شناختی این امکان را برایمان فراهم می‌کنند تا پدیده‌های جهان را در ارتباط با انسان دریابیم؛ یعنی بر مبنای انگیزه‌ها، اهداف، کنش‌ها و ویژگی‌ها بمان (لبکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۷۱). کاربرد فعل «لم يرض» به معنی راضی نبودن برای شمشیر که فاقد این ویژگی است، از نوع مفهوم‌سازی استعاری است. تلفیق مجاز و استعاره در این بیت نشان از خلاقیت شاعر است.

در ابیات زیر حاتم برای اثبات جنگاوری خود در میدان‌های جنگ، مخاطب را ترغیب می‌کند که از سوارکاران جنگی درباره او پرسند. آنچه در ابیات زیر مورد توجه است استفاده

مجاز و استعاره مفهومی جنگ در دیوان حاتم طائی با رویکرد شناختی شیرین پورابراهیم*

از واژه «فارس» برای شخص جنگجو است. در دوره جاهلی به خاطر جنگ‌های زیاد و استفاده از اسب در میدان‌های نبرد این واژه برای مرد اسب‌سوار، جنگجویی که مهارت‌های جنگاوری را به‌خوبی فراگرفته به‌نحوی که کارآزموده شده و به‌کار رفته است

(۱۴) فَلَا تَسْأَلْنِي، وَاسْأَلِي أَيُّ فَارِسٍ إِذَا بَادَرَ الْقَوْمُ الْكَنِيفَ الْمِسْتَرًّا

(۱۵) فَلَا تَسْأَلْنِي، وَاسْأَلِي أَيُّ فَارِسٍ إِذَا الْحَيْلُ جَالَتْ فِي فَنَاءٍ قَدْ تَكْسَرَا

(طائی، ۱۹۸۶: ۲۲)

ترجمه: «از من مپرس و از هر سوارکاری بپرس هنگامی، که گروه دلیران به‌سوی سپر استتار شده و پوشیده بشتابند. از من مپرس و از هر سوارکار دیگری بپرس هنگامی که اسبان در میان نیزه‌های شکسته جولان کنند».

در مثال گفته‌شده هم با مجاز «تجربه‌گر حادثه به‌جای حادثه» مواجهیم. سوارکاری بخشی از تجربه جنگیدن است که به‌جای کل آن به‌کار رفته است؛ بنابراین به‌طور خاص از مجاز مفهومی «سوارکار به‌جای جنگجو» استفاده شده است.

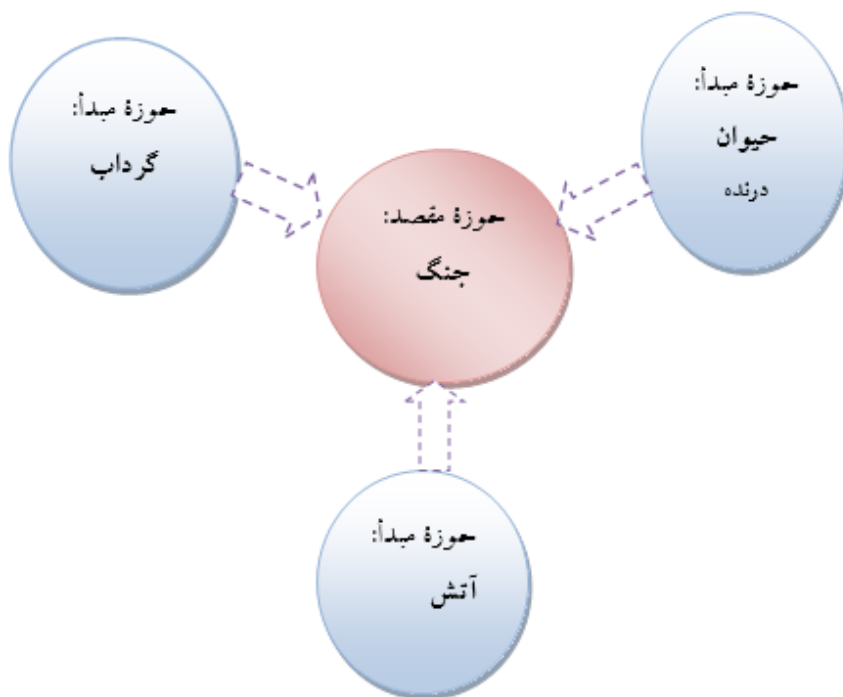
۵. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حاتم طائی در شعر خود از دو سازوکار شناختی، استعاره مفهومی و مجاز مفهومی استفاده کرده است. تجربه‌های فرهنگی که وابسته به محیطند، نقشی اساسی در شکل‌گیری مجازها و استعاره‌های مفهومی دارند. این ارتباط چه در زبان عادی و چه در زبان شعر خواه شعر جاهلی خواه شعر مدرن، به‌شکلی واحد بین محیط تجربی و ذهن ارتباط برقرار می‌کنند. در زبان شعر که جلوه‌گاه استعاره و مجازهای بدیع‌تر است ارتباط پیچیده‌ای بازنمایی می‌شود. شعر جاهلی طائی، موردی از بازنمایی این ارتباط میان فرهنگ، ذهن و زبان، به‌ویژه زبان ادبی است.

در تصویر ۱، مشاهده می‌شود، سه حوزه مفهومی آتش، حیوان و گرداب، مؤلفه‌های تخریب و ویرانگری و نابودی را در بردارند که بر حوزه جنگ نگاشت می‌شود:

* EXPERIENCER OF AN EVENT FOR THAT EVENT

تصویر ۱. استعاره‌های جنگ به مثابه انسان، حیوان درنده و آتش.



اما در مجاز یک عنصر مفهومی به جای یک عنصر مفهومی دیگر به کار می‌رود. بنابراین مجازی زایاست که در آن دو مفهوم (عنصر مفهومی) درون یک حوزه مشابه وجود داشته باشند. طائی در شعر خود برای ساخت و سازمان‌دهی مفهوم جنگ از این سازوکار شناختی استفاده می‌کند. در تصویر پایین طرح کلی این روابط مجازی نشان داده شده است:

تصویر ۲. جنگ و رابطه مجازی عناصر مفهومی درون آن



در شعر حاتم، مجازهایی برای مفهوم جنگ به کار رفته که در آن ابزار جنگ، کنش‌های مختلف جنگیدن، یا آثار و نتایج جنگ به جای خود جنگ به کار رفته‌اند. گاهی این ارتباط نزدیک است مثل ارتباط شمشیر و جنگ و بعضی مواقع دور مثل غبارآلودی. در هر دو مورد و بیشتر دومی، خواننده به کمک واژگان مجاور به مفهوم اصلی جنگ می‌رسد. در تصویر ۲، تلاش شده است این ارتباط تبیین شود. گاه ترکیبی از این دو سازوکار در یک عبارت شعری ظاهر می‌شود که البته مجاز بنیادین و زیربنای ساخت استعاره است. در موارد ذکر شده ترکیب استعاره جنگ آتش است با مجاز اجزاء آتش به جای آتش، مجاز «اجزاء آتش به جای جنگ» - زبانه آتش به جای جنگ را ایجاد می‌کرد. مجاز اجزاء آتش به جای جنگ در تصویر ۳ مشاهده می‌شود:

تصویر ۳. مجاز اجزاء آتش به جای آتش



پیچیدگی مفاهیم و مفهوم‌سازی‌ها را می‌توان در عباراتی مثل «بنو الحرب» و «اخو الحرب» نیز به‌نوعی دیگر مشاهده کرد. این دو عباراتی استعاری محسوب می‌شوند؛ و استعاره مفهومی زیرساختی آنها عبارت از «آشنایی با جنگ به مثابه خویشاوند جنگ بودن است». در تحلیل آخر مشاهده شد که واژگان و اصطلاحاتی در حیطه جنگ به کار رفتند که دال بر مجاز مفهومی جنگ بودند. همچنین در مفهوم‌سازی استعاری جنگ از آتش و اجزاء آن و از حیوانات درنده و کنش‌های آنها استفاده شد.

منابع

کتب عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۹۵۶)، لسان العرب، ط ۳، بیروت، دار صادر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، ط ۱، دمشق، دارالعلم دارالشامیه.
- الروضان، عبدعون، (۲۰۰۳)، موسوعة شعراء العصر الجاهلی، عمان، دار اسامة للنشر و التوزيع.
- الرجزانی، عبدالقاهر عبدالرحمن، (۱۴۲۲)، اسرار البلاغة، تحقیق: عبدالحمید هنداو، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- سکاکي، أبويعقوب، (۱۹۹۹)، مفتاح العلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ضیف، شوقی، (۲۰۰۳)، تاریخ الأدب العربی (العصر الجاهلی)، ط ۲۴، القاهرة: دارالمعارف.
- الطائي، حاتم، (لا تا)، دیوان شعر حاتم بن عبدالله الطائي و أخباره، یحیی بن مدرك، روایة: هشام بن محمد الكلبي، دراسة و تحقیق: عادل سلیمان جمال، القاهرة، مطبعة المدنی.
- _____ (۱۹۸۶ م)، دیوان، شرح و تقدیم: احمد رشاد، ط ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- فاخوری، حنا، (۱۹۸۶)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت، دارالجليل.
- القزوينی، جلال الدین، (لا تا)، الإيضاح فی علوم البلاغة، بیروت، دارالکتب العلمیه.

کتب فارسی

- افراشی، آزیتا، (۱۳۹۷)، استعاره و شناخت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راسخ مهند، محمد، (۱۳۹۳)، درآمدی بر زبانشناسی شناختی، مفاهیم و نظریه‌ها، تهران، سمت.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی، (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر معنانشناسی شناختی، تهران، نشر علم، چاپ دوم.
- سوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبانشناسی عمومی، ترجمه: کورش صفوی، تهران، هرمس.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه: شیرین پورابراهیم. چاپ دوم، تهران، سمت.
- لیکاف، جورج، مارک جانسون، (۱۳۹۶)، استعاره‌های که با آن زندگی می‌کنیم، ترجمه: راحله گندمکار، تهران، نشر علمی.
- مارتینه، آندره، (۱۳۷۸)، اصول زبانشناسی عمومی، ترجمه سید علاءالدین گوشه‌گیر، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران.

کتب لاتین

Lee, David, (2001). **Cognitive Linguistics: An Introduction**. Oxford: Oxford University Press.

مجلات

نیمایر، سوزان (۱۳۹۹)، «از ته قلب: بررسی های مجازی و استعاره»، در: استعاره و مجاز با رویکردی شناختی، ویراستار: آنتونیو بارسلونا، مترجم: تینا امراللهی، تهران، نقش جهان، صص ۲۴۶-۷.
قائمی، مرتضی، و اختر ذوالفقاری، (۱۳۹۸)، «مطالعه مدلهای شناختی زمان در متن قرآن بر اساس نظریه استعاره مفهومی»، تهران، مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش. ۵۰، صص ۱۴۴-۱۲۳.

لیکاف، جورج. (۱۳۹۰)، «نظریه معاصر استعاره»، ترجمه فرزانه سجودی، استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی آفرینی، مترجمان: فرهاد ساسانی و همکاران، تهران، سوره مهر، صص ۲۳۰-۱۳۵.

References

- Ibn Manzur, Mohammad Bin Mokrim, (1955, 1956). **Lisan Al-Arab [Tongue of Arabs]**, Beirut: Dar Al-Sadr. [In Arabic].
- Raghib Al-Isfahani, Hussain, (2004), **Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran** [Lexicon of Quranic Terms], Beirut/Damascus, Dar Al-Alam / Al-Dar Al-Shamiya. [In Arabic].
- Al-Roudhan, Abd Aoun, (2003). **Mousu'a Sho'ara' Aal- Asr-el Jaheliyya [Encyclopedia of Pre-Islamic Poets]**. Amman: Dar Osama For Publishing & Distribution. [In Arabic].
- Al-Jorjani, Abd Al-Ghahir, (1988). **Asrar Al-Balaghah [Mysteries of Rhetorics]**, 1st. edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Asha'iyyah, [In Arabic].
- Sakkaki, Abu Yaghub, (1999). **Miftah Al -'ulum [The Key of Sciences]**. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiya. [In Arabic].
- Dhayf, Shawqi, (2003). **Tarikh Al-Adab Al-'Arabi: Al-'asr Al-Jahili [History of Arabic Literature: Pre-Islamic Period]**. Al-Qahirah, Dar Al-Ma'arif. [In Arabic].
- Ta'i, Hatim, (n.d.) **Divan She'r Hatim Bin Abdullah Ta'i va Akhbar-hi [The Collection of Hatim Ta'i Poetry and It's Explanations]**, Collected by: Yahya bin Modrik Ta'i, Narrated by: Hisham Bin Muhammad Al-Kalbi, Researched by: 'Adil Solayman Jamal, Al-Qahira, Matba'h Al- Madani. [In Arabic].
- Ta'i, Hatim, (1986). **Divan. [The Collection]**. Explained and Presented by Ahmad Rishad, Beirut, Dar Al-Kutub al-Elmiya. [In Arabic].

Fakhuri, Hanna. (1986). **Al-Jame' Fi Tarikhe Al-Adabe Al-Arabi [A Comprehensive Study of Arabic Literature]**, Beirut, Dar al-Jabal. [In Arabic].

Qazvini, Jalal Al-Din. (n.d.) **Al-'idāh Fi 'ulum Al-Balagha [An Explanation of Rhetorics]**, Beirut, Dar Al-Kutub al-Elmiya. [In Arabic].

Afrashi. Azita, (2018). **Metaphor and Cognition**, Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural studies. Persian].

Rasekh Mahand, Mohammad, (2014), **Cognitive Linguistics: Theories and Concepts**. Tehran, SAMT. [In Persian].

Rowshan, Belgheys, & Ardebili, Leila, (2016), **An Introduction to Cognitive Semantics**. Tehran: Elm Publication. [In Persian].

Saussure, Ferdinand, (2003), **A Course in General Linguistics**, Translated by: Koorosh Safavi, Hermes, Tehran. [In Persian].

Kövecses, Zoltan, (2019a), **Metaphor: A Practical Introduction**, Translated by: Shirin Pourebrahim, Second Edition, Tehran, SAMT. [In Persian].

Lakoff. George, and Mark Johnson, (2020), **Metaphors We Live By**, Translated by: Raheleh Gandomkar, Tehran, Nashr-e-elmi.

Martinet, Andre, (1999), **Elements de Linguistique Generale**, Translated by: [Seyyed Aladin Goushegir](#), Ahvaz, University of Ahvaz. [In Persian].

Lee, David, (2001), **Cognitive Linguistics: An Introduction**. Oxford, Oxford University Press.

Niemeier, Susanne, (2020), "Straight from the Heart: Metonymic and Metaphorical Explorations", In: **Metaphor and Metonymy at the Crossroads: A Cognitive Approach**, edited by: Antonio Barcelona, Translated by: Tina Amorollahi, Tehran, Naqsh -e- Jahan, pp. 248-77. [In Persian].

Gha'emi, Morteza, and Akhtar Zolfaghari, (2019), "Study of Cognitive Models of TIME in Qur'n, on the Basis of Conceptual Metaphor Theory", **Journal of Iranian Association of Arabic Language and Literature**, Vol. 15, N.50, pp. 123-44. [In Persian].

Lakoff, George, (2011), "The Contemporary Theory of Metaphor" In: **Metaphor of the Basis of Thought and Beauty-Creating**, Translated by: Farzan Sojudi, Tehran, Surah Mehr, pp. 135-230. [In Persian].

الجزء والاستعارة المفهومية للحرب في ديوان حاتم الطائي؛ بمقاربة عرفانية

نوع المقالة: أصيلة

سيد محمود ميرزايي الحسيني ، شيرين بورايراهيم ، *، طيبة فتححي ايرانشاهي

١. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، بجامعة لرستان، خرم آباد، إيران.

٢. أستاذة مشاركة في قسم اللسانيات، كلية الآداب و اللغات الأجنبية، بجامعة پیام نور، طهران، إيران.

٣. دكتوراه في اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة لرستان خرم آباد، إيران.

الملخص

علم اللغة المعرفي كأحد الفروع الجديدة بين التخصصات، يدرس العلاقة بين الدّهن واللغة معبراً عن اللغة كمظهر من مظاهر الدّهن البشري؛ لهذا من الممكن التعرف إلى عقلية الشعراء الجاهليين وفقاً لبيئتهم وأسلوب حياتهم من خلال التأمل العميق في الأشعار العربية الجاهلية. حاتم الطائي هو أحد الشعراء العرب في العصر الجاهلي الذي يمكن تفهّم منظومته الفكرية حول القضايا العديدة في عصره من خلال ديوانه الشعري. بالنظر إلى أنّ «الحرب» كانت من أبرز الظواهر الاجتماعية في العصر الجاهلي؛ فإنّ الهدف الرئيس من هذا المقال هو تقديم بحث علمي جديد في مجال «الحرب» في شعر حاتم الطائي للتعرف إلى نظامه الفكري بشكل خاص والحياة الاجتماعية في هذا العصر بشكل عام؛ لذلك تم استخراج العبارات الاستعارية والمجازية من ديوان الشاعر وتحليلها على ضوء نظرية ليكاف وجانسون (١٩٨٠م). تشير نتائج البحث إلى أنّ الشاعر حاتم الطائي قد وظّف أموراً موضوعية و ملموسة ترتبط بالحياة الجاهلية كالنار والحيوان، مجسّداً الحرب في ذهن المخاطب في ثوب الاستعارة المفهومية. إضافة إلى هذا يعدّ ذكر تفاصيل الحرب والفروسيّة وأبعادها الدقيقة ووصف الفرسان في المجازات المفهومية خير دليل على العلاقة الوثيقة بين هذه الظاهرة الاجتماعية والعصر الذي عاش فيه الشاعر.

الكلمات الرئيسية: علم الدلالة المعرفي، الاستعارة المفهومية، المجاز المفهومي، الشعر الجاهلي، حاتم الطائي.

Conceptual Metaphors and Metonymies of WAR in Hatim Ta'i's Poetry: A Cognitive Approach

Article type: Research

Seyyed Mahmoud Mirzaee Al-Hoseini¹, Shirin Pourebrahim^{2*},

Tayyeb Fathi Iranshahi³

1- Associate Professor, Arabic Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

2- Associate Professor, Linguistics Department, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3- Graduate Ph. D. Student, Arabic Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Abstract

Cognitive linguistics, as a modern interdisciplinary, by examining the relationship between mind and language, believes that language is a mind representation. Thus, by deeply investigating the poems of the pre-Islamic period (622-494 AD) through cognitive semantics methods, we can figure out the mentality of poets according to their environment and living style. Hatim Ta'i is among Pre-Islamic poets, whose poetry's analysis can present his thinking system. Considering "war" as one of the most important life affairs of his period, presenting a new research with a cognitive approach on Hatim Ta'i's poem can help us in identifying the poet's intellectual system in particular, and social life in the pre-Islamic period in general. So metaphorical and metonymic expressions have been extracted and analyzed according to Lakoff and Johnson (1980). The results show that Hatim Ta'i has used the objective matters available in the pre-Islamic period, such as fire and animal, to embody "war" in the mind of the audience in the form of a conceptual metaphor. Moreover, in the conceptual metonymies, mentioning the subtle aspects and details of war, warfare and warriors indicates the very high connection of this social phenomenon with the poet's life.

Keywords: Cognitive Semantics, Conceptual Metaphor, Conceptual Metonymy, Ignorant Poetry, Hatim Ta'i.

* Corresponding Author

pourebrahimsh@pnu.ac.ir